

مقدمه‌ای بر آغاز چاپ در ایران

شقایق فتحعلی زاده^۱

چکیده

صنعت چاپ پدیده ارتباطی تأثیر گذار با گستره‌ای وسیع در جامعه جهانی است، که تأثیر و خدمت آن در تحولات اجتماعی و سیاسی و بهتر ساختن جامعه‌ها نقش بنیادین داشته و دارد. این پدیده به عنوان یکی از مظاهر تمدن غرب در پیشرفت و گسترش دانش در غرب تأثیر بسیار داشته و شاید بتوان گفت در بررسی علل عقب ماندگی کشورها باید به این صنعت به عنوان یک عامل اساسی توجه کرد. بدین روی بررسی تاریخ چاپ در هر جامعه می‌تواند به روند گسترش دانش و کارشناسی در آن جامعه اشاره داشته باشد. در این مختصر تلاش شده است که به چگونگی ورود صنعت چاپ به کشور و علت‌های عدم استفاده از آن در دوران اولیه پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: صنعت چاپ، سفرنامه، صفویه.



^۱. دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی.

پیشینه چاپ در عصر صفوی

بدست آوردن تاریخی مشخص برای آغاز چاپ در ایران، به تعریفی که از صنعت چاپ ارائه می‌دهیم، بستگی دارد. اگر عمل انتقال نقش را زمینه ظهور و در شمار پیشینه چاپ به حساب بیاوریم، نخستین آثار منقوش ایران به عصر سنگ و ظهور تمدنهای نخستین باز می‌گردد، و اگر چاپ به انتقال نقش از ابزاری به ورقه نازک و قابل حمل و نقل تعریف شود، تاریخ باصمه و مهر، پیشینه چاپ محسوب می‌شود. گاه به این گونه چاپ، چاپ آسیایی می‌گویند و چینیان در ابداع آن نقش عمده را بر عهده داشته‌اند. اما در باب واژه چاپ برخی معتقد به اشتقاق این واژه از چاو مغولی هستند که از دوره ایلخانان در ایران رواج یافت.

به ویژه آن که انتشار اسکناس چرمی در عهد گیخاتون (۶۹۰ - ۶۹۴ هـ) به جای زر و سیم، به دستور صدر جهان رایج شد و روی آن عبارت «لا اله الا الله محمد رسول الله» را می‌نوشتند، از سوی دیگر تأسیس چاوخانه در تبریز که به منظور چاپ و توزیع اسکناس چرمی در قلمرو ایلخانان ایجاد شد، دلیل دیگری بر این مدعا است. خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ظاهراً نخستین ایرانی است که در اثر خود با عنوان تنسوق نامه ایلخانی از فن چاپ نزد چینیان یاد کرده است. (رشید الدین فضل الله، ۱۳۵۰، ۴۰-۳۶).

برخی نیز این نظریه را رد کرده‌اند و بر این باورند که چاپ از «چهپ» و یا «چهپه» گرفته شده و ریشه هندی دارد. زیرا «در زبان هندی لفظ چهپ به معنی مهر است و پارچه‌های را که به وسیله مهرها یا قالب‌های چوبی نقش می‌کنند «چهپانیا» و یا «چهپاره» می‌گفته‌اند. صنعت چاپ شبه همین مهر زدن و نقش کردن به وسیله قالب است به همین علت در این مورد استفاده شده است.» (مجتبی مینوی، ۱۳۳۲، ش ۸/ دهخدا ذیل کلمه چهپ).

بنابر آنچه گفته شد، چینیان در صنعت چاپ نقش ابتدایی را بر عهده داشتند، چینی‌ها چاپ کتاب را در عصر سلاطین تانگ، یعنی مقارن قرن اول تا سوم هجری به کمال رساندند. آنها بر روی یک قطعه چوب تمام مطالبی که باید بر روی دو صفحه بیاید، به علاوه یک ستون برای عنوان باب، فصل یا ممیزات ایجاد می‌کردند، سپس آن را مرکب زده، وارونه کرده و بر روی کاغذ بر می‌گرداندند، آن کاغذ را از وسط «تا» می‌زدند و کتاب ورق‌هایی از این اوراق تا کرده، که پهلوی یکدیگر گذاشته و دوخته می‌شد. پس از این ابداع چینیان دومین تحول بزرگ در تاریخ چاپ هنگامی رخ داد، که گوتنبرگ در خلال سال‌های (۱۴۳۶ - ۱۴۴۴ م / ۸۴۰ - ۸۴۴ هـ) غالب حروف ماتریس را اختراع کرد و با استفاده از حروف فلزی متحرک شیوه نوین چاپ را پدید آورد، بدین گونه که از کنار هم نهادن حروف سربی و منعکس ساختن آن بر کاغذ به وجود می‌آید، گوتنبرگ در طراحی حروف و صفحه‌آرایی کتاب‌های چاپی خود از اسلوب صومعه‌ها که در تهیه نخستین نسخه‌های خطی نفیس بود، پیروی کرد.

نخستین کتابی که او چاپ کرد انجیلی بود با حروف گوتیک بود، اما بعداً تنوع قلم های حروف کارگاه وی تقریباً به سی صد نوع رسید. در نتیجه این ابداع آلمان به سال ۱۴۵۰ میلادی توانست نخستین کشور دارنده کتاب چاپی به شیوه نوین شود. در آن دوران اومانیست ها ایتالیایی که پس از آلمان ها با ۹ سال تأخیر اولین کتاب چاپی خود را ارائه کردند، معتقد بودند که حروف خط گوتیک از دور تار و محو به نظر می رسد و از نزدیک چشم را خسته می کند، از این رو کوشیدند تا با الهام از کتیبه های روم باستان، حروفی ساده تر و زیباتر پدید بیاورند.

اندک زمانی بعد از اختراع گوتنبرگ، نخستین حروف متحرک سربی برای زبان های شرقی نیز ساخته شد. و در این دوران که نزدیک به ۴۰ سال می باشد، مسلمانان از این اختراع آگاهی یافتند و احتمالاً به آزمودن و به کار بستن آن تمایل داشتند، چرا که سلطان عثمانی بایزید دوم در ۸۹۰ هـ، از بیم تحریف کتب دینی، رعایای خود را از چاپ کتاب با حروف عربی بر حذر داشت و پسر او سلطان سلیم در ۹۲۱ هـ لازم دید فرمان پدر را تجدید کند، البته باب عالی در این فرمان ها یهودیان را مستثنی کرده بود. (اسماعیل حقی اوزون چارشلی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۳۶). این عامل و هم چنین در دست داشتن نسخه ای از تورات به خط راشی عبری مارس (۹۵۳ هـ / ۱۵۴۶ م) که در استانبول چاپ شده است این احتمال را تقویت می کند که یهودیان فارسی زبان پیش از سایر گروه های فارسی زبان به اهمیت چاپ کتب چاپی پی برده باشند. این تورات نخستین کتابی است که در آن می توان ردی از فارسی زبانان یافت. در (۱۰۴۹ هـ / ۱۶۳۹ م) سه کتاب به زبان و خط فارسی از سوی هیات های تبلیغی مسیحی در باب تبلیغ آیین مسیح در لیدن هلند به چاپ رسیده است و چاپخانه ای که این کتاب ها در آن چاپ شده است، ظاهراً باید نخستین چاپخانه فارسی در جهان باشد که برای جذب فارسی زبانان به دین مسیحیت به این اقدام پرداخته است، به طور کلی ارامنه در صنعت چاپ ایران نقش محوری داشته اند. آنان ۷۲ سال پس از اختراع صنعت چاپ یعنی در سال ۱۵۱۲ م نخستین کتاب چاپی ارمنی را انتشار دادند در فاصله سال های (۱۵۱۳ م - ۱۵۱۲ م) ارمنیان پنج کتاب داشتند. در سال ۱۵۶۳ م چاپ کتاب ارمنی در ایتالیا آغاز و ۴ سال ادامه یافت و سپس از آن متوقف شد. در سال ۱۵۸۴ م دوباره چاپ ارامنه آغاز شد، ولی این بار در روم بود و در قرن ۱۷ اولین کتاب ارمنی در لهستان به سال ۱۶۱۶ م میلادی چاپ شد. دگر بار بعد از وقفه ای طولانی در سال ۱۶۳۸ در جلفای اصفهان کار چاپ کتب ارمنی از سر گرفته شد. بدین ترتیب تأسیس چاپخانه از جانب ارمنیان در جلفای اصفهان عبارت از یک مرحله نوین و پراهمیت در تاریخ چاپ ایران و چاپ ارامنه بوده است. این اقدام بزرگ و مؤثر توسط کشیشان کلیسای جلفای اصفهان صورت گرفت و بالاخره صنعت چاپ پس از گذشت ۱۹۸ سال از اختراع آن و ۱۹۱ سال از چاپ اولین کتاب چاپی به شیوه نوین وارد ایران شد. بر اساس مدارک موجود، نخستین کتابی که در ایران و حتی کلیه کشورهای خاورمیانه به شیوه نوین چاپ شده است، زبور داود یا ساغموس است که در (۱۰۴۸ هـ / ۱۶۳۸ م) به زبان و خط ارمنی در ۵۷۲ صفحه، در جلفای اصفهان و به

دست کشیشان ارمنی به چاپ رسیده و از این کتاب تاکنون فقط یک نسخه دیده شده است که در کتابخانه بادلیان در آکسفورد نگهداری می‌شود.

پس از آن در سال (۱۶۴۱ م / ۱۰۵۱ هـ) با کوشش خلیفه خاچاپورگیسا راستی* در کلیسای وانگ در جلفای اصفهان کتابی دیگر به چاپ رسید، نام این کتاب سرگذشت پدران روحانی بوده است.

کتاب دیگری در سال ۱۶۴۱ م و بعدی در سال ۱۶۴۲ م به چاپ رسید، آن چه بر قدر و ارزش این کتاب ها می‌افزاید، ساختن همه وسایل چاپ کتاب مذکور حتی کاغذ آن به وسیله روحانیون کلیسای وانگ می‌باشد. کشیشان این کلیسا با تلاشی خستگی‌ناپذیر موفق شدند، که همه حروف مسی، چوبی، آهنی و قیرهای چوبی چاپ، مرکب، کاغذ چاپ کتاب و تذهیب صفحه‌ها را آماده کنند. آنان پیش از گروه‌های قومی - زبانی دیگر ساکن ایران روند رو به رشد در صنعت چاپ را آغاز کردند و می‌دانیم مقام پانزدهم را از حیث قدمت چاپ در میان اقوام جهان احراز کرده‌اند، البته برای این موفقیت می‌توان دلایل بسیاری را برشمرد، که شاید مهم‌ترین آن محیط آزاد و تشویق‌آمیزی بود که شاه عباس اول صفوی و فرمانروایان دیگر این سلسله برای آن‌ها ایجاد کرده بودند. البته باید تلاش خود ارامنه را نیز در توسعه صنعت چاپ شان مورد توجه قرار داد. چنانچه می‌دانیم خلیفه خاچادور به توسعه چاپخانه بسیار علاقه‌مند بوده است و پس از این که مشکلات چاپ را می‌بیند یکی از شاگردان خود به نام هوانس وارثاپت (یعقوب خان) برای آموختن فن چاپ در سال (۱۰۴۹ هـ / ۱۶۳۹ م) به اروپا می‌فرستد. او ۷ سال در اروپا تعلیم می‌بیند و می‌تواند در شهر لیورنو کتاب زبور داوود را چاپ کند، ولی متأسفانه قبل از این که جلفا برسد، استادش مرده بود. این راهب توانست در سال (۱۰۵۷ هـ / ۱۶۴۷ م) همراه خود یک ماشین چاپ با حروف سربی به اصفهان بیاورد و موفق می‌شود که کتابی در اصفهان به چاپ برساند. (حسین میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۶، ۵۶) او سه سال بعد کتاب مقدس « عهد قدیم و عهد جدید » را شروع می‌کند، اما به علت اختلافاتی که بین او و سایر ارامنه روی می‌دهد نه تنها چاپ کتاب مزبور به تعویق می‌افتد، بلکه خود او نیز مجبور به مهاجرت از جلفا می‌شود. تاورنیه در مورد او چنین نقل می‌کند که « در اصفهان یک نفر ارمنی به تاسیس ماشین چاپ و طبع رسالات پولس رسول و فرامین هفتگانه همت گماشته و بر آن بود که مجموعه کتاب مقدس را به چاپ برساند، او چون طریقه تهیه مرکب مرغوب را نمی‌دانست و از اثرات سوء آن اختراع بیمناک بود ناگزیر ماشین چاپ را شکست. زیرا از یک جهت حتی اطفال که از آموزش نوشتن تن می‌زدند، ادعا کردند که خود کتاب مقدس را تنها برای این که زودتر از حفظ شوند، بنویسند بهتر است از سوی دیگر بسیاری از اشخاص که از راه نساجی کتاب امرار معاش می‌کردند با آن مخالف بودند.» (ژان باپتیت تاورنیه، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۳۸). با توجه به مدارک این دستگاه چاپ، نخستین دستگاه چاپی بود که در ایران دایر شد، اما از این زمان چاپخانه به مدت سی سال تعطیل ماند، همچنین در سال ۱۲۵۹ هـ ق یکی از

بزرگان ارمنی به نام مانوک هورتانیان که در جاوه سکونت داشت، یک ماشین چاپ خوب که به جدیدترین وسایل مجهز بود به کلیسای وانگ هدیه کرد، اما در آن تاریخ کسی که از فن چاپ اطلاع داشته باشد، در جلفا نبود. (شهلا بالا زاده، ۱۳۷۸، ۵۰) و متأسفانه این ماشین حدود ۴۰ سال در انبار کلیسا ماند و معلوم نیست که بعداً مورد استفاده قرار گرفت یا نه؟ این دستگاه چاپ هم اکنون به عقاب معروف است و در کلیسای وانگ به یادگار باقی مانده است.

در مدت ۳۳۰ سالی که چاپخانه در کلیسای وانگ دایر بود، علاوه بر تقویم ها، گزارشات جلسات مذهبی و ... حدود ۲۶۳ جلد کتاب با کوشش خلیفه های کلیسا چاپ و منتشر شد. لطف الله هنرفر اصفهان شناس، در جریان بررسی گورسنگ های ارمنیان جلفای اصفهان، پنجاه شغل و منصب را شناسایی کرده است که یکی از آن ها به حرفه (طباعت) چاپ گری یکی از کشیشان ارمنی به نام کشیش آساور متوفی ۱۶۹۵م اشاره دارد. (لطف الله هنرفر، ۱۳۴۵، ۹۰-۸۹) این بررسی نشان دهنده گسترش صنعت چاپ در دوره صفوی نزد ارمنه است که در پایتخت حکومت صفوی مستقر بوده اند. اما بر خلاف ارمنیان - که گوی سبقت را از دیگر اقوام ربوده بودند- در این دوران هیچ کتاب چاپی به روش نوین به زبان فارسی در ایران انتشار نیافت، البته شواهد نشان می دهد که همزمان با تاسیس چاپخانه کلیسای وانگ در ایران و تلاش ارمنیان برای چاپ کتابشان به روش نوین، عده ای از رجال و درباریان و شاهان صفوی به فکر ایجاد چاپخانه در ایران افتادند. ویلهم فلور هم بر پایه اسناد موجود در آرشیوهای هلند، به ملاقات هیات مبلغان مسیحی کرملی با شاه عباس اشاره کرده است، بنا به گفته وی در سال ۱۶۱۸ م، ف. ج. تادیوس در حضور شاه عباس اول در قزوین ماشین چاپی با حروف عربی و فارسی ارائه داد و بیان می کند که شاه علاقه زیادی نشان داد و آرزو کرد که در کشورش به کار افتد، و چنین می افزاید که برای مذهب ما داشتن باصمه یا حروف چاپی بسیار مفید است و شاه حتی تادیوس را مأمور تهیه آن کرده است. ماشین چاپ در سال ۱۶۲۴م از رم فرستاده شد، ولی به سبب اوضاع ناشناخته و پیش بینی نشده ای در دسامبر ۱۶۲۸م یا ژانویه ۱۶۲۹م به اصفهان رسید. (ویلهم فلور، ۱۳۶۶، ۲۸۹)** و همچنین معلوم نیست که آیا مبلغان مذهبی کرملی گزارش درباره کاربرد ماشین چاپ فرستاده شده، داده اند یا نه. به هر حال نامه های در این باره به رم نرسیده و یا نگهداری نشده است. زیرا در سال ۱۶۳۸ واتیکان پرسید که «با حروف چاپی فارسی و عبری که از رم به اصفهان ارسال شده چه کرده اند، چه می خواهند بکنند (آیا از آن استفاده ای کرده اند)» (اسناد پادریان کرملی، ۱۳۸۳، ۶۹-۶۴) پاسخ این سؤال معلوم نیست.

دیگر بار از این ماشین چاپ آن هنگام که ف - برنارد سر اسقف کلیسای قدیس بابل و معاون چاپ اصفهان، ایران را ترک کرد نشان می یابیم، وی در هنگام ترک ایران در ۱۶۴۲م یعنی پس از ۱۳ سال که دستگاه چاپ توسط آنان به ایران وارد شده بود، کلیسا و اقامتگاه خود را با تمام وسایل موجود در آن به جانشینش که توسط خود او به این مقام منصوب شده بود داد. در میان این اشیاء

و لوازم از قالب های ۳۴۹ حرف چاپی عربی و ابزار آهنی یکی برای قالب گرفتن و دیگری برای چیدن و آماده کردن چاپ یاد شده است. ما هنوز نمی دانیم که اصلا ماشین چاپ عربی - فارسی در ایران استفاده شده است یا نه و اگر استفاده شده در چه تاریخی بوده است. ف.ا.س. یوسف در نوشته های خویش اشاره می کند که « اجداد کرملی ها ماشین چاپی در صومعه خودشان در اصفهان دایر کردند که آن ها آن را هنوز دارند. در عین حال وی متذکر می شود که کار هر دو ماشین چاپ هم ماشین ارمنی و هم ماشین عربی - فارسی با توفیق همراه بوده است» (ویلهم فلور، ۱۳۶۶، ۲۹۱). این مطلب این اندیشه را ایجاد می کند که ماشین چاپ عربی - فارسی پیش از آن که به ایران برسد، مورد استفاده بوده است، نکته دیگری که بر این نتیجه گیری صحت می گذارد، از سند دیگری در همین بایگانی معلوم می شود، و آن این است که دارایی برنارد ۲۱ سال در حفاظت کمپانی هند شرقی هلند قرار داشته است چون این دارایی در ۱۶۶۳م به رافائل توماس انتقال یافت معلوم می شود ماشین چاپ کرملی ها قبل از ۱۶۴۸م به کار افتاده بوده است. که این موضوع بعید به نظر نمی رسد و به راحتی با بررسی تاریخ چاپ ارمنه می توان پنداشت، همان گونه که در سال ۱۶۳۹م در هلند کتاب های فارسی برای تبلیغ آیین خود چاپ کرده اند، در کشورهای دیگری نیز به این کار اقدام کرده باشند، و کتاب های فارسی برای تبلیغ به چاپ رسانده باشند، که از این دستگاه چاپ و قالب های حروف چاپی در آن استفاده کرده باشند. با این که در نامه ها و گزارش های به جا مانده از کرملی ها از استعمال ماشین چاپ توسط آن ها سخنی به میان نرفته است.

همچنین ف.ا.س. یوسف می گوید که هر دو ماشین عربی - فارسی و ارمنی به سبب خشکی آب و هوا به خوبی کار نمی کرده است (ویاهم فلور، ۱۳۶۶، ۲۹۱). این دلیل به نظر بسیار غیرممکن می آید زیرا در ایران کتب مختلفی به زبان ارمنی در اصفهان چاپ شده است و هیچ یک به دلیل خشکی آب و هوا ناتمام نمانده است و این عامل نمی تواند علت العلل برای عدم استفاده از ماشین های چاپ در عهد صفویه باشد، و به نظر بهتر آن است که دلایل دیگری مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور شاید بهتر باشد نخست به بررسی جایگاه هنر و فرهنگ در این دوره بپردازیم. پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران می گوید: عصر صفویه، دوره طلایی در هنر صحافی، جلدسازی، تذهیب و نقاشی ایرانی است (آرتور آپهام پوپ، ۱۳۸۷، ۲۰۶). در این دوره مقام و منزلت هنرمندان، با حمایت شاهان صفوی به ویژه شاه تهماسب چنان بالا رفت که حتی برخی از دوستان آنان از میان نقاشان و هنرمندان انتخاب می شدند. به علاوه شاه تهماسب چنان عشق و علاقه به نقاشی داشت که امیدوار بود، خود یکی از هنرمندان ماهر شود، از آثار شگفت آور دوره او می توان به شاهنامه تهماسبی اشاره کرد که دارای ۲۵۰ نقاشی مینیاتوری است همچنین دارای خطی بسیار

زیبا، تذهیب بی مانند و از لحاظ جلد و صحافی نیز یک اثر بی مانند است که راجر سیوری آن را در واقع یک موزه هنر سیار می داند (راجر سیوری، ۱۳۸۴، ۱۲۴). پس از شاه تهماسب هنر نقاشی و تذهیب در دوره شاه عباس اول نیز در نقطه اوج قرار داشت و خود او نیز بسیار به این هنرها علاقه می ورزید، چنانچه گفته شده پس از اتمام یکی از نقاشی های رضا عباسی دست او را بوسیده و حتی شبها تا صبح برای او چراغ می گرفته است تا او به کار خود بپردازد. این نمونه ها اشاره به علاقه شدید دربار و به پیروی از آن ها مردم ایران به هنر تذهیب، نقاشی، نگارگری و رنگ در ایران دارد، که متأسفانه چاپ سربی دارای این خواص نبوده است و برای مردم جذابیتی نداشته است؛ از سوی دیگر خود هنرمندان دربار و ایران به لحاظ قدرتی که توانسته بودند در دوره صفویه از آن خود کنند مانعی در جهت گسترش چاپ در ایران شدند؛ جدا از هنر نقاشی، خطاطان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. تاورنیه در سفرنامه خود اشاره می کند که چون در روزگار صفویه صنعت چاپ در ایران وجود نداشت، در واقع خط به منزله چاپ بود، به همین علت خطاطی بسیار اهمیت داشت (بابتیست تاورنیه، ۱۳۸۳، ج ۵، ۲۳۸). اما گمان می رود این سیاح اروپایی به خوبی به اوضاع آن دوران اشراف نداشته است، زیرا در روزگار صفویه حضور صنعت چاپ قطعی است، اما در آن روزگار خطوط نسخ و نستعلیق شکسته متداول بوده است. خط شکسته خط دیوانی نیز بوده است، این خط امکان زیبا نویسی و پرهیز از یکنواخت نویسی ایجاد می کرده است ولی حروف به کار رفته در چاپ های سربی در مقایسه با نسخه های خطی نفیس چندان جذابیتی نداشته است. چنانچه می دانیم، کتاب قانون ابن سینا ۱۰۰۲ هـ / ۱۵۹۳ م در استانبول به چاپ رسیده است که یک دهم نسخه خطی این اثر قیمت داشت ولی طلاب مسلمان حاضر به خریداری آن نبودند. (حسین میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸، ۷۱) از سوی دیگر باید به مخالفت های نساجان که از راه کتاب امرار معاش می کردند، اشاره کرد، و چون در آن دوره تولید پارچه های ابریشمی و زربفت از اهمیت بسزایی برخوردار بود، این نساجان دارای قدرت در ساختار اجتماعی - اقتصادی دوره صفویه بودند، به غیر از آن باید به مخالفت نسخه نویسان نیز اشاره کرد. پس از بررسی عوامل زیبا شناختی و مخالفت طبقات صاحب النفع در تولید کتاب، می توان به عوامل دینی و طلابی که مانع از تولید کتب چاپی می شدند اشاره کرد.

همان گونه که راهبان مسیحی چنانچه که اشاره شد، از اشتباه نوشتن حروف انجیل می ترسیدند. این ترس درباره مسلمانان نیز وجود داشت و همان گونه که در مورد استانبول ذکر گردید، در ایران نیز علاقه ای به چاپ قرآن و کتب دینی آن هم بر طریق واژه، واژه، نداشتند، چون در چاپ به طریق سربی، همواره اشکالاتی پیش می آمد، که از دیدگاه آنان سبب تحریف قرآن می شد و از آن می ترسیدند. از سوی دیگر در زمان شاهانی که پس از شاه عباس دوم به قدرت رسیدند، به ویژه در زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین که مقام های صدر، ملاباشی، شیخ الاسلام قدرت خاصی توانستند از آن خود بکنند، احتمالاً اجازه چاپ قرآن داده نمی شد، زیرا آن ها علم، کتاب و

یادگیری را منحصر به قرآن می دانستند و چون خود در محور آموزش بودند، سعی می کردند این منصب انحصاری در اختیار آن ها باشد و از حوزه آن ها خارج نشود. همچنین احتمال دارد که آن ها علاقه نداشته باشند که قرآن و کتب دینی شان توسط دستگاهی که به دست کفار ساخته شده است، چاپ شود، چنانچه در دوره های بعدی نیز می بینیم رسالات اولیه هیچ کدام قرآن و یا کتب دینی نبوده است. البته تا کنون هیچ سند قابل ذکری در این مورد به دست نیامده است و این گفته تنها بر پایه حدسیات می باشد.

اما به راستی شاید مهم ترین عامل برای گسترش نیافتن صنعت چاپ در ایران آن بود که، حامی اصلی خود شاه عباس را از دست داد؛ زیرا اولین دستگاه چاپ عربی - فارسی به احتمال بسیار در ژانویه ۱۶۲۹ م به ایران رسیده است و در آن زمان شاه عباس در گذشته بوده است و شاردن می نویسد که: « دربار ایران بارها از من خواسته است کتاب چاپ کن های آورده ماشین چاپی در اصفهان تأسیس کنم، اگر شاه عباس دوم هنوز زنده بود این کار انجام پذیرفته بود، لکن پسرش آن مایه گشاده دستی نداشت که هزینه های ضروری این کار را بپردازد » (ژان شاردن، ۱۳۷۵، ج ۴، ۲۲۴) همچنین در جایی دیگر از این سفرنامه ذکر می کند که « در زمان شاه سلیمان صفوی، ایرانیان صد دفعه خواسته اند مطبوعه داشته باشند و به فواید و ضرورت آن کاملاً پی برده اند لیکن تا به حال کامیاب نشده اند، برادر وزیر اعظم (مجتهد بزرگ) که آدم خیلی عالم و مقرب شاه است در سنه ۱۰۸۷ قمری از من خواست تا کارگرانی از فرنگ بیاورم که این کار را به ایرانیان بیاموزند و کتب مطبوعه عربی و فارسی را هم که به او داده بودم به نظر شاه رسانید. شاه با این پیشنهاد موافقت کرد ولی هنگامی که صحبت از پرداخت پول به میان آمد، شاه صفوی از پرداخت آن سر باز زد و این فکر و اندیشه به نتیجه نرسید و در محاق فراموشی فرو رفت » (ژان شاردن، ۱۳۷۵، ج ۴، ۲۲۸) از گفته های این سیاح اروپایی و هم چنین مشاهده نکردن کوچکترین اقدامی در زمینه چاپ پس از شاه عباس اول می توان به راحتی دریافت که شاهان پس از او هیچ یک علاقه به گسترش صنعت چاپ نداشتند. هیچ یک از آن ها در ارتباط با دنیای غرب و حتی آسیا نتوانستند موفقیت بسزایی کسب کنند و ابتدا از اثرات سودمند چاپ اطلاعی نداشته اند. هر چند که از علاقه بی سرانجام برخی از رجال دولتی به ورود چاپ به ایران و تعلیم فنون آن، شواهدی در دست است. و بهتر است بگوییم مطمئناً دلایل دیگری که برای ما ناشناخته است، به این حرکت آهسته و در بسیاری از مواقع توقف آن کمک کرده است، تا جایی که می توان آغاز این صنعت را عهد قاجار و در دوره عباس میرزا برشمردیم. به هر روی با آوردن دلایل یاد شده، می توان به این نتیجه رسید که به طور کلی روند حرکت صنعت چاپ در ایران نشان دهنده فراز و نشیبهای بسیار سیاسی- اجتماعی و فرهنگی این صنعت و عدم مدیریت آن می باشد. جامعه شناسان معتقدند که زیر ساختهای توسعه فرهنگی درگرو پیشرفت همه جانبه در رشته های مختلف علوم ارتباطات است که

وجود یا عدم مدیریت مؤثر در آن موجب شکوفایی و یا پژمردگی آن می شود، که صنعت چاپ از این قاعده جدا نیست. با توجه به این نکات می توان در آخر به آسانی این نکته را بیان کرد، که با آنکه دلایل عدم استفاده از صنعت چاپ کاملاً روشن نیست، اما به خوبی روشن است که یکی از دلایل عقب ماندگی ایران از جهان غرب عدم توجه جدی به صنعت چاپ در این دوران می باشد.

* وی از کلیسای سوپ اچمیازین به عنوان نماینده کاتولیک به جلفا آمده و بنا به تقاضای اهالی جلفا در سال ۱۶۲۰ پیشوای مذهبی جلفا گردید. از کارهای او با ستایش یا می شود چون هم به قوم خود عشق و علاقه داشت و هم بسیار عالم و پرهیز گار بود. چند شاگرد گرفت و آنها را با علم تفسیر عهد عتیق و جدید آشنا کرد. برای نخستین بار چاپخانه دایر کرد. او ۲۶ سال خلیفه بود و در سال ۱۴۶۴ در گذشت. پیکر او زیر محراب کلیسای وانگ دفن شد.

** برخی علت به وجود آمدن این وقفه را مرگ شاه عباس می داند. رک: (حسین گلپایگانی، ۱۳۷۸، ۹۰)

منابع

- اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتایا؛ به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، نخست، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹
- اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی؛ به کوشش منوچهر ستوده با همکاری ایرج افشار، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳
- اولین چاپخانه در ایران؛ اسماعیل رائین، تهران، انتشارات روزنامه آلیک، ۱۳۴۷
- اولین کاروان معرفت؛ مجتبی مینوی، مجله یغما، سال ششم، شماره ۸، آبان ۱۳۳۲ ش
- ایران عصر صفوی؛ راجر سیوری، کامبیز عزیزی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴، نشر مدبر
- تاریخ چاپ در ایران؛ شهلا بالا زاده، تهران، طهوری، ۱۳۷۸
- تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ ق تا ۱۳۲۰ ش)؛ حسین میرزای گلپایگانی، چاپ اول، تهران، گلشن راز، ۱۳۷۸
- تاریخ عثمانی؛ اسماعیل حقی اوزون پارشلی، ترجمه وهاب ولی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰
- تنکسوق نامه یا طب اهل ختا، رشید الدین فضل الله همدانی، با مقدمه مجتبی مینوی، ۱۰ جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار؛ ویلم فلور، ترجمه ابوالقاسم سری، ۲ جلد، چاپ اول، توس، ۱۳۶۶
- راهنمای ابنیه تاریخی اصفهان؛ لطف الله هنرفر، اصفهان، کتاب فروشی ثقفی، چاپ دوم، آذر ماه ۱۳۴۵
- سفرنامه شاردن؛ ژان شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۵ سفر نامه تاورنیه، ژان باپتیست سفرنامه تاورنیه؛ ترجمه ابوتراب نوری با تجدید نظر و تصحیح حمید شیرانی، تهران، نشر نیلوفر، ۱۳۸۳

شاهکارهای هنر ایران؛ آرتور اپهام پوپ با همکاری فیلیس اکرم و اریک شرودر ، ترجمه پرودز خانلری، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۷
مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی (ار آغاز تا کنون)؛ خانبابا مشار، چاپخانه رنگین ، تهران ، ۱۳۴۰ ش
هلندی ها در ایران؛ ویلم فلور، حسن زنگنه، تهران، ماهی ، ۱۳۸۷

